

## نشانه‌شناسی رمزگان‌های تشویق و تهدید در سوره «قلم»

فریبا سرلکی<sup>۱</sup>  
علی نظری<sup>۲</sup>

### چکیده

نشانه‌شناسی علمی است که به واکاوی نشانه‌های زبانی و رمزگان‌های موجود در متون ادبی می‌پردازد تا با بازشناخت مفاهیم مستتر آن‌ها و کشف لایه‌های پنهانی، به خوانشی جدید در متن برسد. قرآن کریم که مهم‌ترین منبع تعلیم و تربیت اسلامی است، نیازمند استخراج اصول تربیتی بر مبنای مسائل جدید تربیتی است و برای تفسیر تخصصی تربیتی آن باید لایه‌های معنایی نشانه‌های آن مورد مطالعه قرار گیرد. یکی از رویکردهای مهم تربیتی قرآن، ترغیب، تشویق، ترهیب و تهدید برای جلب توجه مخاطبان است. نشانه‌شناسی رمزگان تشویق و تهدید به عنوان پرکاربردترین روش‌های تربیتی در قرآن کریم از اهمیت فراوانی برخوردار است. پژوهش حاضر، با روش توصیفی تحلیلی بر مبنای منابع کتابخانه‌ای به صورت موردی، به بررسی نشانه‌شناسی رمزگان‌های تشویق و تهدید در سوره قلم و تبیین رویکرد تربیتی آن پرداخته است. در این سوره، از رمزگان‌های فرهنگی و هرمنوتیک و نمادین برای بیان اسباب نزول و تاب‌آوری پیامبر در برابر آزار و اذیت مشرکان و تقابل صفات نیک رسول خدا (ص) در برابر صفات رذیله مشرکان، در راستای تربیت دعوت‌گر به روش تشویق و برای تنبیه مخالفان از شیوه تهدید به منظور آرامش قلب پیامبر اکرم (ص) و ثبات قدم وی در مسیر دعوت به دین اسلام استفاده شده است.

**کلیدواژه‌ها:** نشانه‌شناسی، رمزگان، سوره قلم، تشویق، تهدید

\*\*تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۱

sarlaki.fa@fh.lu.ac.ir

۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه لرستان

nazari.a@lu.ac.ir

۲ - نویسنده مسئول: استاد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه لرستان

## ۱. مقدمه

تحلیل نشانه شناخت یکی از روش‌های تحلیل کیفی متن است، که به بررسی دال و مدلول‌ها در یک متن، برای کشف معانی ضمنی و پنهان می‌پردازد و با تحلیل آن قواعد رمزگان دال‌ها و مدلول‌ها حاصل می‌شود. نشانه‌شناس در تفسیر یک متن، با تکیه بر عناصر درون متنی (نحو و بلاغت و آواشناسی و صرف) و روابط جانیشینی و هم‌نشینی و عناصر برون‌متنی (بافت فرهنگی، اجتماعی و موقعیتی و...) با واکاوی نشانه‌ها از سطح معانی واژگانی فراتر رفته است و شبکه‌هایی از معانی نهفته در متن را با توجه به بافت موقعیتی خلق می‌کند. با استفاده از رویکرد نشانه‌شناسی، نشانه‌ها در هر حوزه‌ای مورد مطالعه قرار می‌گیرند و براساس ماهیت خود، در بافت موقعیتی، واکاوی می‌شوند. مثلاً در حوزه سینما، سینماگر از تصویر برای بیان مفاهیم نهفته در ذهن به‌عنوان یک نشانه استفاده می‌کند.

در نشانه‌شناسی ادبی، متن ادبی به قصد شناسایی نشانه‌ها خوانده می‌شود و هدف از این خوانش، تحلیل متن برای کشف فهمی جدید است. در یک متن ادبی، نشانه‌شناس نشانه‌های معناداری که متن را از سطح ارجاع‌دهی به سطوح هنری و ادبی سوق داده‌اند، مشخص می‌کند و با قرار دادن واژه‌ها در کنار هم و هم‌نشینی با واژه‌های دیگر، هم‌سو با بافت متن، مفاهیم دیگری به مخاطب القا می‌کند (خلیفه بناروانی، ۱۳۹۲: ۲۳) و دلالت‌هایی فراتر از دلالت‌های قراردادی و معجمی می‌یابد.

قرآن کریم متنی متفاوت از سایر متون، که حاصل ارتباط خداوند با پیامبر (ص) در موقعیت‌ها و شرایط گوناگونی است، با نشانه‌هایی درون‌متنی و برون‌متنی، که نیازمند تحلیل نشانه‌شناسی دقیق، برای کشف نشانه‌ها و مؤلفه‌ها و گزاره‌ها برای فهم دقیق‌تر مخاطب و کشف برجستگی‌ها و شاهکارهای ادبی این کتاب آسمانی است. با توجه به این که قرآن کریم در بردارنده لایه‌های متعدد با معانی مجازی و کنایی و استعاری و... است، برای کشف و تجلی معانی فراطاهری، نیازمند نگاهی تأویلی به متن است. در تحلیل نشانه‌شناسی قرآن، ضمن بررسی تحلیل روابط میان نشانه‌ها به‌منظور یافتن معانی بی‌بدیل آیات، لازم است گاهی تمام سوره یا آیه در لایه‌ها و

عناصر متعدد مورد ارزیابی قرار گیرد تا دلالت‌های پنهان آن کشف و به رموز و اعجاز آن پی برده شود.

رویکرد تربیتی از مهم‌ترین مباحث و گزاره‌های قرآنی است، که می‌کوشد ضمن پاسخگویی به نیاز انسان در تمام عصرها، زوایا و ابعاد جذاب و نوینی از جلوه‌های شگفتی‌ساز، زیبایی ظاهری و باطنی قرآن را در قالب‌های مختلف، به تصویر کشد. پژوهشگران حوزه تربیتی، فقط خطوط کلی ابعاد تربیتی را از قرآن استخراج نموده و آن را با سنت پیامبر و شیوه اهل بیت تفصیل داده‌اند. رویکرد تربیتی قرآن تبیین شیوه‌ها و اصولی است که ماهیت اصلی آن اثرگذاری در مخاطب است و به شیوه استدلالی سعی در اقناع مخاطب و کمک به او برای پذیرش نکات تربیتی دارد. رویکرد تربیتی قرآن گاهی شناختی - عاطفی است که منجر به تقویت درک و فهم متربی می‌شود و گاهی جنبه بازدارنده و اصلاحی دارد که هدف آن خلق یک رفتار و یا تداوم و تثبیت آن در متربی است و برخی جنبه الگودهی و اعطای بینش و تشویق در مقابل روش‌های اصلاحی یا کاهشی است. در نشانه‌شناسی قرآن کریم با رویکرد تربیتی، نشانه‌های تربیتی در محورهای اصول و روش‌ها و ابعاد و ساحت‌های تربیتی، به منظور درک حقایق پنهانی این کتاب آسمانی، رمزگشایی می‌شود تا به هدف اصلی رویکرد تربیت اسلامی که همان، شکوفایی فطرت الهی انسان و تجلی ارزش‌های والای اخلاقی و عقلی اوست، منجر شود.

پژوهش حاضر، ضمن پاسخ به این سؤال که رمزگان‌های تربیتی موجود در سوره قلم کدامند و چه تأثیری بر رویکرد تربیتی این سوره داشته‌اند، می‌کوشد دال‌ها و مدلول‌ها را با تکیه بر عناصر درون‌متنی در دو محور جانشینی و همنشینی بررسی و ضمن واکاوی واژگان و نشانه‌ها معانی جدیدی از آن استنباط و سپس روش‌ها و رویکردهای مختلف تربیتی قرآن را به‌طور نمونه در سوره مبارکه قلم، تحلیل کند.

دلیل انتخاب این سوره، تمرکز بر روش‌های تربیتی در رابطه با مخاطبان مختلف از جمله پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) است. در سوره‌هایی که مخاطبشان پیامبر (ص) است، روش‌های تربیتی عموماً سمت و سوی دلجویی و تشویق دارند. مانند سوره‌های الضحی و الانشراح. اما در

سوره‌های قلم و المزمّل و المدثر، ضمن طرح مسائل مرتبط با پیامبر موضع‌گیری مخالفان آن حضرت (ص) نیز از بُعد تربیتی مطرح می‌شود. ذکر داستان‌های قرآنی نیز علاوه بر تقویت راهکارهای تربیتی، از جمله شگردهای قرآنی است که روش‌های ترغیب و ترهیب را به‌شکلی هنرمندانه در میان شگردهای تربیتی قرآن می‌گنجانند.

اما تحلیل نشانه‌شناسی سوره قلم با رویکرد تربیتی، به‌عنوان جامعه آماری پژوهش، به‌این دلیل است که این سوره از سوره‌هایی است که خطاب‌های تشویقی و تهدیدی در آن بیش‌تر به‌سمت دعوت‌گر است. آیات تشویقی همچون سنگ صبوری فراروی مسیر دعوت وی قرار می‌گیرد. با توجه به موضع‌گیری دعوت‌شدگان در برابر پیامبر (ص) به‌صورت مستقل سخنی از آن‌ها به‌میان نیامده است.

#### ۲.۱. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های نشانه‌شناسی، در رشته‌های مختلفی از جمله: ادبیات، هنر، معماری، علوم اجتماعی و... صورت گرفته است ولی در علوم تربیتی مطالعات درخوری یافت نمی‌شود. با وجود این که مباحث تربیتی، برای انتقال مفاهیم و ارزش‌ها، حاوی نظام‌های نشانه‌ای بسیاری هستند که می‌توانند در پژوهش‌های نشانه‌شناسی جایگاه ارزشمندی بیابند (گان، ۱۳۸۲: ۱۱۰۸-۱۱۰۴).

دانش نشانه‌شناسی به‌مانند دیگر روش‌های نقدی معاصر به‌عنوان روشی جهت بررسی متن مقدس قرآن کریم بارها به‌کار رفته است؛ و از آن‌جا که نمی‌توان تمامی مطالعات مرتبط را در این جستار ذکر کرد، فقط به مهم‌ترین پژوهش‌هایی که به‌نوعی با این پژوهش در ارتباطند، اشاره می‌شود.

ایان ریچارد نئون در مقاله‌ای تحت عنوان «نشانه‌شناسی سوره کهف» (۱۳۹۲)، به‌بیان نشانه‌های ساختاری سوره کهف پرداخته و کهن‌الگوها و کارکردهای آن‌ها را بررسی کرده و قرآن را متنی سرشار از نشانه‌ها معرفی نموده است.

سجاد شفیعی‌پور در مقاله‌ای با عنوان «کاربردشناسی نشانه‌های آوایی در نظام معنایی قرآن» (۱۳۹۴) نشانه‌های آوایی را در نظام معنایی سورهٔ مرسلات در تصویرگری حوادث روز قیامت بررسی کرده است.

الهام سیدان (۱۳۹۴) در مقالهٔ «نشانه‌شناسی لایه‌ای رمزگان‌ها در داستان قرآنی خلقت آدم (ع) با تأکید بر کشف الأسرار میبدی» ماجرای خلقت آدم را با خوانشی نشانه‌شناسانه مورد مطالعه قرار داده و سطوح رمزگانی آن را استخراج نموده است. پژوهشگر به تحلیل تفسیر میبدی از داستان خلقت آدم پرداخته و به این نتیجه رسیده است که برخی رمزگان‌ها ساخته و پرداختهٔ ذهن خلاق مفسر است و برخی نیز از متن قرآن قابل برداشت است.

در مقالهٔ دیگری با عنوان «نشانه‌شناسی واژگانی نفاق در قرآن کریم» سید میترا اکبری (۱۳۹۵) به بررسی واژگان دال بر نفاق، با تکیه بر نشانه‌های درونی و بیرونی با استناد به کتاب‌های تفسیری و لغت‌نامه‌ها پرداخته است.

عباس اقبالی در مقالهٔ «نشانه‌شناسی سورهٔ مبارکه غاشیه» (۱۳۹۵) اقدام به بیان ویژگی‌های این سوره در دو محور عمودی و افقی نموده و به بررسی لایه‌های آوایی و بلاغی این سوره پرداخته است.

عباس اقبالی و سعیده حسن شاهی در مقاله‌ای با موضوع «واکاوی سبک‌شناسانهٔ سورهٔ قلم» (۱۳۹۸) سطوح فکری و ادبی و زبانی سورهٔ قلم را بررسی کرده‌اند.

علی پیرانی‌شال و نیلوفر زریوند (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «نشانه‌شناسی لایه‌ای رمزگان‌های سورهٔ مبارکه المسد از منظر رولان بارت» به تحلیل رمزگان‌های پنجگانه رولان بارت در متن سورهٔ مبارکه المسد پرداخته‌اند و با مطالعه هر پنج رمزگان در این سورهٔ کوتاه، به ناکارآمدی و خسران همیشگی مخالفان حقیقت و کارساز نیفتادن خرج‌ها و قدرت‌های مادی در مقابل تدبیر الهی اشاره دارند.

به‌طورکلی، مهم‌ترین پژوهش‌های نزدیک به موضوع این مقاله، پیرامون سبک‌شناسی و نشانه‌شناسی واژه‌ها و معناشناسی آن‌ها یا نشانه‌شناسی شخصیت‌های قرآنی و یا تحلیل

نشانه‌شناسی رمزگان‌ها است و پژوهش‌های تربیتی قرآن نیز مستقل از نشانه‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است. ولی هیچ‌کدام از آن‌ها به اهمیت کاربرست نشانه‌شناسی در استخراج روش‌های تربیتی قرآن کریم اشاره نکرده‌اند و هیچ‌کدام اهمیت تطبیق این روش‌ها را بر روی شخصیت پیامبر (ص) متذکر نشده‌اند.

## ۲. نشانه‌شناسی

مباحث نشانه‌شناسی از مهم‌ترین مباحث زبان‌شناسی در قرن بیستم است که به بحث الفاظ می‌پردازد و یکی از شاخه‌های نوین و کاربردی نقد ادبی و هنری است که در دهه‌های اخیر، در حوزه‌های زیادی از جمله ادبیات مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

نشانه‌شناسی، واژه‌ای یونانی، معادل واژه (semiotic) یا (semiology) به کار برده می‌شود، این نام، از واژگان علم پزشکی است که علائم بیماری‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد (دینه سن، : ۱۱) و مترادف با نمایه یا عارضه است و در حیطه نشانه (sign) و معنا (meaning) به پژوهش می‌پردازد. از این اصطلاح در عربی با عنوان «السیمیوطیقا» و «السیمیولوجیا» و «علم العلامات» یا «العلاماتیات» و «السیمیائیة» نام برده می‌شود.

بنیان‌های نظری نشانه‌شناسی را «فردینان دوسوسور» سوئیسی بنا نهاد. از نگاه وی نشانه‌شناسی به منزله علمی است که به بررسی زندگی نشانه‌ها در دل زندگی اجتماعی می‌پردازد و نظام‌های زبانی و غیرزبانی را بررسی می‌کند تا فرایند ارتباط شکل گیرد.

در نشانه‌شناسی، نشانه‌ها به اشکال مختلفی چون صوت، حرکت، تصاویر، نمادها و... بازنمایی می‌شوند و فقط زمانی که به معنایی نسبت داده شوند، به نشانه تبدیل می‌شوند و نشانه‌شناس با تولید و تفسیر آن‌ها، معنا را به وجود می‌آورد و ضمن کشف معنا از طریق نشانه‌ها، براساس یک الگوی قراردادی، معنای ایده‌ها را محدود می‌کند (نرسیسیانس، ۱۳۸۷: ۲۵). نشانه‌ها از دال و مدلول تشکیل شده‌اند و خارج از نظام نشانه‌ای حامل هیچ معنایی نیستند و گاهی فقط در بافت موقعیتی قابل درک هستند، یعنی درک مفهوم آن‌ها تنها از طریق شرایط

حاکم بر فرایند تولید آن‌هاست. نشانه‌ها دال‌هایی برای مدلول‌های خاصند که خارج از نظام نشانه‌ای، حامل هیچ معنایی نیستند و گاهی درک آن‌ها فقط در بافت موقعیتی ممکن است و هرگاه نشانه چیزی قرار بگیرند، باید فرایندی را طی کنند تا پیام به مخاطب منتقل شود. وظیفه دانش نشانه‌شناسی بررسی این فرایند تا زمان انتقال پیام به مخاطب است (ساغروانیان، ۱۳۶۹: ۴۷۵).

در جهان آکنده از نشانه‌ها، هر چیزی می‌تواند کارکرد و یا دلالت نشانه‌شناختی داشته باشد و از آن‌جا که انسان موجودی نشانه‌ساز است در برخورد با انواع نشانه‌ها می‌تواند به تفسیر معنای آن‌ها بپردازد (پاینده، ۱۳۹۸: ۲۷۲).

در تحلیل‌های نشانه‌شناسی زبانی و ادبی، بیش‌ترین تمرکز بر ساختار متن و روابط اجزای ساختار متن مورد نظر است، یعنی بررسی نشانه‌های تشکیل‌دهنده متن و روابط نهان و آشکار میان آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. تأثیر نشانه‌شناسی بر مطالعات ادبی، بیش از هر چیز معطوف به مطالعه ساختار متن است، از این‌رو جهت نظریه ادبی را از بررسی معنای متن به بررسی روابط موجود در متن تغییر می‌دهد و زمینه‌های تحلیل نظام‌مندتر و موشکافانه‌تری را فراهم می‌کند (برکت، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

هر متنی از تعدادی نشانه‌های زبانی تشکیل شده است که هر یک از این نشانه‌ها بر معنایی ویژه دلالت دارند و برای رسیدن به معنای نهفته و مدنظر در این نشانه‌ها باید دلالت نشانه‌ها یا به عبارتی «علامت خوانی» آن‌ها را بررسی نمود تا دلالت‌های متن گشوده شود. از آن‌جا که یک متن برخی از نشانه‌ها را بالفعل در معرض نگاه خواننده قرار می‌دهد و برخی دیگر را برای اهلش پنهان می‌دارد، در تحلیل نشانه‌شناسی، ضمن شکافتن متن و علامت‌خوانی نشانه‌ها و واژگان به تحلیل ادبی و واژه‌شناسی و بررسی لایه‌های ادبی، صوتی، نحوی و بلاغی نشانه‌ها با توجه به بافت موقعیتی پرداخته می‌شود تا بتوان یک متن را تحلیل نمود.

## ۱.۲. تحلیل نشانه‌شناسی متن

در فرایند تولید و تفسیر معنی، با تحلیل رمزها (Codes)، نمایه‌ها و نشان‌های موجود در متن و بررسی رابطه میان دال و مدلول، نشانه‌ها به مفاهیمی معنادار تبدیل می‌شوند (یوهان سن، ۱۳۸۸: ۱۳۱) در این فرایند، چنانچه متن ادبی همراه با رمزگان‌های سازنده متن و بافت موقعیتی خاصی که متن در آن وقوع یافته همراه نباشد، فاقد معناست (سیبک، ۱۳۹۹: ۳۴). منظور از بافت متن، چارچوبی است که عنصر زبانی در آن قرار گرفته است و بافت موقعیتی (بافت غیرزبانی) بررسی یک عنصر، در چارچوب موقعیت خاص است. مثل بافت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و محیطی (پالمر، ۱۳۸۷: ۸۶).

اختلاف میان دو محور همنشینی (زنجیره‌ای) و جاننشینی (متداعی)، اساس تحلیل نشانه‌شناسی ساختاری را تشکیل می‌دهد (ضمیران، ۱۳۸۲: ۷۹). محور همنشینی (افقی) عبارت است از چگونگی قرار گرفتن عناصر در کنار هم و محور جاننشینی (عمودی) بر چگونگی جایگزینی عناصر به جای هم دلالت می‌کند. عملکرد محور جاننشینی به صورت انتخاب و مقایسه میان عناصر و تمایز آن‌ها است و محور همنشینی به صورت ترکیب.

معنا براساس انتخاب و ترکیب دال‌ها در محور همنشینی (افقی) و جاننشینی (عمودی) ایجاد می‌شود و مفاهیم براساس ارتباط‌هایشان بر مبنای تقابل یا افتراق القاء می‌شوند (پاینده، ۱۳۹۸: ۲۷۶، ج ۲). مثلاً شجاعت در مقابل ترس و شب در تقابل با روز است که معنا می‌یابد. معنا با کاربرد یک دال حاصل نمی‌شود بلکه با انتخاب یک دال به جای دال دیگری معنا ایجاد می‌شود. به عبارتی محور جاننشینی همان انتخاب و محور همنشینی حاصل ترکیب دال‌ها در محور افقی زبان است و از مجاورت دال‌ها در کنار هم و رابطه آن‌ها و ترتیب قرار گرفتن‌شان در محور افقی معنی القاء می‌شود (همان: ۲۷۷).

در تحلیل نشانه‌شناسی متن، از دو محور جاننشینی و همنشینی، نخست باید به ریشه‌شناسی نشانه‌های موجود در متن و تفاوت آن‌ها با واژگان مترادف پرداخت و سپس معنای آن‌ها را در ارتباط با واژگان دیگر بررسی نمود. زیرا هر نشانه‌ای ممکن است بر چندین مدلول دلالت کند که در تحلیل نشانه‌شناسی متن، تناسب آن‌ها در متن جدید کشف یا رد می‌شود.



رابطه‌جانشینی و همنشینی، علاوه بر واژه‌ها، جملات و گزاره‌ها را نیز شامل می‌شود. در رابطه‌جانشینی تقابل واژه‌ها به انتقال معنا یا درک مفهوم متن کمک می‌کنند. به عبارت دیگر نشانه‌های زبانی بدون در نظر گرفتن تقابل‌ها و به خودی خود معنایی نخواهد داشت و آنچه نشانه‌ها را معنادار می‌کند، تفاوت یک نشانه با سایر نشانه‌هاست (سوسور، ۱۳۸۲: ۱۸۶).

## ۲.۲. نشانه‌شناسی قرآن کریم

«آگوستین» قدیس مسیحی قرون وسطی در کتاب «آموزه‌های دین مسیحی»، مطرح نموده که چگونه می‌توان از دسته‌بندی نشانه‌ها در تفسیر کتاب مقدس (انجیل) استفاده کرد. وی به جای تقسیم دلالت‌ها به تقسیم نشانه‌ها پرداخته و مباحث او پلی میان بحث دلالت در ادبیات عرب و متن کتاب مقدس (قرآن) شد و «محمد مفتاح» در کتاب «دینامیه النص» نشانه‌شناسی را در علوم قرآنی و تفسیر به کار برد و جایزه بین‌المللی کتاب سال مغرب را از آن خود کرد (قائم‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۳۹-۱۴۱) و بعد از آن، برای مباحث دلالت و نشانه‌شناسی در علوم قرآنی و تفسیر باب‌هایی گشوده شد.

تحلیل نشانه‌شناسی قرآن با واکاوی نشانه‌ها در لایه‌های مختلف همچون آوا و بلاغت و صرف و نحو به مطالعه زوایایی از معانی تأویلی می‌پردازد که پیام‌ها و آموزه‌های فراضمنی متن را به‌روى مخاطب بگشاید.

## ۲.۲.۱. تحلیل و بررسی سوره قلم

سوره قلم، شصت و هشتمین سوره قرآن و دومین سوره به ترتیب نزول بعد از سوره علق است (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۳۳) و مانند بیش‌تر سوره‌های جزء ۲۹ قرآن کریم در مکه نازل شده است و محور آن همانند سایر سوره‌های مکی اصلاح بینش‌ها به منظور تغییر منش است. این سوره، بعد از علنی شدن دعوت پیامبر، برای تسلی قلب ایشان و دلگرمی وی پس از آن که مشرکان آن حضرت را مجنون نامیدند و تهمت‌های ناروا زدند، نازل شد (رازی، ۱۴۲۰: ۵۰۰/۳۰). در سوره قلم، با تقسیم مخاطبان به دو گروه مؤمن و کافر می‌توان راهکار تربیتی

ترغیب و تشویق را به گروه مؤمنان و راهکار ترهیب و تهدید را به گروه کافران نسبت داد. در این میان مخاطبان خاصی چون پیامبر اکرم (ص)، با راهبردهای تربیتی خاص تری مورد اکرام قرار می‌گیرد.

یکی از ابزار تربیتی قرآن کریم داستان است و با شخصیت‌پردازی و روایت‌پردازی منحصر به‌خود معنا و مفهومی تازه به «قصه» داده است و مباحث تربیتی را با ذکر مثال‌هایی از زندگی اقوام گذشته و رسولان به حوزه‌های تربیتی کشانده است و مسیر داستان به جای حرکت در روایت خطی و اهمیت شخصیت‌ها، به‌دنبال یافتن اثری از چیزی یا کسی و یافتن نشانه‌ای برای عبرت‌دهی یا حکمت‌آموزی و یا طرح مسائل انگیزشی است (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۷۱).

رولان بارت در تقسیم‌بندی انواع رمزگان، رمزگان هرمنوتیکی یا داستان‌گویی را معرفی می‌کند که تابع یک الگوی پلیسی است (احمدی، ۱۳۹۳: ۲۴۱) و واحدهای معنایی را برای طرح و حل یک مسأله کنار هم قرار می‌دهد (مکاریک، ۱۳۹۸: ۱۳۸).

در محور عمودی، بررسی آغازگرها، حائز اهمیت است. زیرا بیش‌ترین دلالت‌های متن در آن‌ها نهفته است و می‌توان با تحلیل آن‌ها محتوای فهم متن را درک کرد. نام سوره که از واژهٔ قلم برگرفته شده است با محتوای کلی سوره تناسب دارد و به‌نوعی می‌خواهد توجه مخاطب را به مناسبت آن با محور سوره جلب کند. «قلم» و «مایسپرون» که در محور همنشینی قرار گرفته‌اند، آغازگر سوره هستند. این واژه ۴ بار در قرآن به‌شکل مفرد و جمع به‌کار رفته است؛ دوبار به‌معنی قرعه (آل عمران: ۴۴) (لقمان: ۲۷) و دوبار به‌معنی قلم (قلم: ۱) (لقمان: ۲۷). قلم ابزاری است جهت نگارش اندیشه‌ها و «مایسپرون» ابزاری برای ثبت احساسات و اندیشه‌ها؛ و بین این دو دلالت التزام وجود دارد زیرا قلم ابزاری است برای ماندگاری رخدادها و حوادث؛ و در محور همنشینی از واژه «نعمه» به‌عنوان نعمت اندیشه که شاهکار عظیم آفرینش است، یاد شده است. قلم در عنوان سوره، فقط یک واژه است؛ اما چون در یک کنش ارتباطی به‌کار رفته و دربردارندهٔ محورهای معنای سوره است، که خود به‌متنی غنی تبدیل شده است.

در محور همنشینی، ساختار سوگند جهت القای اهمیت رسالت سنگین قلم در آنچه که می‌نگارد، آمده تا ساختاری تداعی‌کننده اهمیت آنچه بدان سوگند خورده می‌شود، به‌تصویر کشد (زمخسری، ۱۴۰۷: ۵۸۴/۴). از آن‌جا که قلم ابزاری برای ضبط تاریخ بشریت بوده و این تاریخ بر حقانیت یا گمراهی آن‌ها صحنه گذاشته، با سوگند به قلم، نقش آن را ماندگارتر از نقش زبان و شمشیر و... در تحول یک ملت و بیداری اندیشه‌ها نشان می‌دهد. سوگند به قلم و بهادادن به آن در میان امتی که نسبت به قلم و دانش آگاهی نداشتند، یک پیام تربیتی برای جلب توجه مخاطب و ایجاد انگیزه در اوست (سید قطب، ۱۴۱۲: ۳۶۵۴) همراهی واژه «قلم» با «ما انت بمجنون» به این معناست که اگر قلم به‌دست گیرند و سخنان تو و تلاش‌های دلسوزانه‌ات را ثبت و ضبط کنند، آیندگان گواهان حقانیت تو و گمراهی و جنون مشرکان خواهند بود (قرشی، ۱۳۸۶: ۶ و ۳۲).

در سوره قلم، هدفمندان سه داستان جهت تأکید بر تربیت دعوتگر در خلال پیام‌های اخلاقی آمده است که هرکدام گوشه‌ای از مسائل مرتبط با محورهای سوره را به‌نمایش می‌گذارند. این سه داستان در نوع خود بی‌نظیر و برای نخستین بار در این سوره مطرح شده‌اند. داستان ولید بن مغیره که اشاره مستقیمی به زمان حال و اکنون پیامبر (ص) دارد، تنها یک‌بار و آن هم در این سوره بیان شده است. داستان یاران باغ نیز برای نخستین بار و آخرین بار در این سوره ذکر شده و برای اولین بار اشاره‌ای کوتاه و رمزگونه به داستان حضرت یونس می‌شود و در سوره‌های دیگر از این نشانه‌ها رمزگشایی می‌شود.

داستان نخست اشاره به رویارویی یکی از مشرکان مکه به نام ولید بن مغیره با دعوت پیامبر اسلام (ص) دارد؛ هرچند نام ولید بن مغیره در زیر ویژگی‌های نه‌گانه‌ای که رمزگونه جهت بازشناسایی شخصیت وی آمده است، پنهان شده است و بدون این که اشاره شود که این ویژگی‌ها متعلق به چه کسی است وی را محور داستان قرار داده است.

« وَلَا تَطْعُ كُلَّ حَلَاْفٍ مَّهِينٍ » (۱۰)؛ « هَمَّازٍ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ » (۱۱)؛ « مَتَاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ »؛ (۱۲)؛ « عُتْلٌ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ » (۱۳)؛ (قلم: ۱۱-۱۳) رمزگان‌های معنایی نه‌گانه خصلت‌نما

برای معرفی شخصیت ولید بن مغیره که در این سوره آمده است: ۱. سوگند پیشه / خَلَّافٍ. ۲. فرومایه / مَهِينٍ. ۳. سخن چین / مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ. ۴. بسیار عیب‌جوی / هَمَّاز. ۵. بازدارنده خیر و نیکی. ۶. متجاوز / مُعْتَدٍ. ۷. گناه‌پیشه / أَثِيمٍ. ۸. درشت‌خوی / عُتْلٍ. ۹. بی‌تبار / زَنِيمٍ. دو ویژگی‌های ظاهری که به بیان زندگی مادی و کنش‌های رفتاری و گفتاری وی پرداخته بعد از ویژگی‌های اخلاقی نه‌گانه فوق آمده است تا علاوه بر شناساندن ولید بن مغیره در قالب رمزگان معنایی، به معرفی دقیق‌تر چهره عصیان‌گر وی، در قالب رمزگان فرهنگی بپردازد. در معرفی شخصیت برون‌متنی ولید، نشانه‌هایی چون به‌خود بالیدن و غرّه شدن به دلیل داشتن استطاعت مالی و ثروت فراوان و این‌که او قرآن را افسانه پیشینیان می‌نامید، مخاطب را به نشانه‌های برون‌متنی خارج از ماهیت او ارجاع می‌دهد. اَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِيْنَ (۱۴) اِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ اَسَاطِيرُ الْاُولَيْنِ (۱۵) (قلم: ۱۵-۱۴).

آیه‌های ۱۴ و ۱۵ در رابطه با کنش رفتاری و گفتاری ولید بن مغیره در محور رمزگان هرمنوتیکی، به‌رمزگشایی از نه‌ویژگی سربرسته و رمزگونه‌ی وی در آیات ۱۰-۱۳ می‌پردازد. و پیامبر(ص) از فرمانبری صاحبان این خصلت‌ها نهی شده است؛ اما از رهگذر رمزگان هرمنوتیکی، هنوز نمی‌توان به ماهیت حقیقی این شخصیت پی برد؛ و بعد در آیه‌های ۱۴ و ۱۵ از رهگذر رمزگان فرهنگی، این ویژگی‌های نه‌گانه به‌صورت ضمنی و سربرسته کدگشایی می‌شوند و از طریق رمزگان فرهنگی به عناصر برون‌متنی ارجاع داده می‌شود. این یکی از شیوه‌های قرآن برای گسترش دامنه معنایی آیات است که در هر عصر و مکانی از هر شخصیتی که متخلق به چنین ویژگی‌هایی است، باید دوری جست.

داستان سوم در گستره رمزگان هرمنوتیکی به مقایسه ثروت مشرکین و اصحاب باغ می‌پردازد. تناسب میان داستان اصحاب باغ و قریشیان در این است که اگر از دعوت رسول خدا(ص) تمرد کنند به‌همان عاقبت اصحاب باغ مبتلا خواهند شد.

داستان سوم که در حوزه رمزگان هرمنوتیکی قرار می‌گیرد، داستان حضرت یونس است. این داستان برای نخستین بار در این سوره به‌شکلی رمزگونه می‌آید، چون از نام یونس اسمی به‌میان

نمی‌آورد؛ بلکه تنها با لقب وی یعنی «یار و همراه ماهی» از یونس اسم می‌برد؛ تا گره‌ای ایجاد شود و این گره، در دیگر سوره‌های قرآنی از جمله سوره صافات و یونس باز می‌شود و مشخص می‌شود که «صاحب الحوت» اشاره به چه کسی است. «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ (قلم: ۴۸)». در این سه آیه کوتاه نیز، قرآن کریم به صورت تعلیق‌وار موضوع به دریا افکندن یونس و نجات وی از شکم ماهی را مطرح می‌کند. اما از نجات یافتن یونس به شکل مستقیم سخن نمی‌راند؛ بلکه به شیوه‌ای رمزی از شمول نعمت خداوند نسبت به یونس حرف می‌زند. مسأله‌ای که در متن قرآن کریم مطرح است؛ توانایی این متن جهت ساخت ابعاد معنایی گوناگون در دو محور افقی و عمودی است. اگر هر سوره را به تنهایی یک محور عمودی به شمار آوریم و تفسیر و تأویل مسائل تربیتی سوره را نیازمند در کنار هم قرار گرفتن آیات سوره بدانیم، می‌توان گفت مسائل طرح شده در این سوره، با دیگر سوره‌ها در محور افقی می‌نشینند؛ بدین معنی که موضوع‌های گوناگون سوره قلم، در سوره‌های دیگر گسترش پیدا می‌کنند. این روش قرآنی در عرضه مطالب، رویکردی تربیتی مبتنی بر تربیت تدریجی و آهسته و پیوسته دعوت‌گر و مخاطبان قرآن است. داستان یونس (ع) به فراخور حال مخاطبان در سوره‌های مختلفی تکرار می‌شود و این ما را به خوانشی در محور افقی از این داستان فرا می‌خواند. اگر به دقت به داستان‌های قرآنی بنگریم همگی از چنین رویکردی پیروی می‌کنند و برای گره‌گشایی از داستان‌ها، باید از دو نوع خوانش عمودی (در سطح سوره‌ای خاص) و خوانش افقی (در سطح کل قرآن) بهره ببریم.

## ۲.۲.۱.۱. رمزگان نمادین

در سوره قلم از رمزگان نمادین نیز جهت تشویق پیامبر (ص) به صبر و پایداری در برابر اذیت و آزارهای مشرکان و تهدید و تنبیه مشرکان در برابر سرکشی‌ها و تهمت‌های ناروا نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله استفاده شده است. رمزگان نمادین از ویژگی‌های خاصی برخوردارند؛

به‌شکلی منظم و به شیوه‌های گوناگون در متن تکرار می‌شوند و الگوهای متضادی را در بطن متن، گرد هم می‌آورند.

یکی از اتهام‌های مشرکان مکه به پیامبر (ص) دیوانگی و جنون بود. مشرکان مکه جهت رویگردانی از دعوت پیامبر (ص) به اسلام، وی را با صفاتی گوناگون در میان مردم معرفی می‌کردند. اتهام مجنون بودن در سرآغاز سوره قلم و پایان‌بندی آن نقشی محوری ایفا می‌کند. در این سوره سه بار این واژه تکرار شده است؛ دوبار در آیه‌های ۲ و ۵۱ با واژه مجنون و یک‌بار در آیه ۶ با واژه مفتون آمده است. در برابر واژه مجنون، خداوند واژه نعمت را قرار می‌دهد. این بدان معنی است که سلامت ذهنی و روانی نعمتی بس بزرگ از جانب خداوند است و پیامبران الهی از سلامت ذهنی و روانی کامل برخوردار بودند. برای همین جهت تشویق پیامبر (ص) به صبر و شکیبایی پیشه کردن در مسیر دعوت و برای تربیت شخصیت معنوی و استوار کردن گام‌های حضرت در راه پر مشقت دعوت به‌سمت یکتاپرستی و اخلاق‌های نیکو، دیوانگی و جنون را نخست با نفی «ما أنت» از ساحت حضرت (ص) دور می‌سازد. سپس به‌شکلی ایجابی در برابر نفی جنون، همراهی نعمت خداوند با پیامبر را اثبات می‌کنند و پاداش فراوان در برابر رنج و سختی دعوت را نمونه‌ای از این نعمت قرار می‌دهد. همچنین برای اینکه اتهام مشرکان به کلی محو شود، اخلاق‌های نیک را به حضرت نسبت می‌دهد. این اخلاق‌های نیک نیز در برابر یکسری اخلاق‌های بد در میان مشرکان قرار می‌گیرد و خود نوعی دیگر از رمزگان نمادین را تشکیل می‌دهد. خداوند می‌فرماید: « مَا أَنْتَ بِنِعْمَةٍ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ (۲) وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ (۳) وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (قلم: ۲-۴)؛ واژه «خلق» رفتارهای موقتی که با سرشت انسان تنیده شده است را در برمی‌گیرد. این آیه به‌ضرورت ارائه الگوی مناسب و شایسته در تربیت اشاره دارد. هر پیامبری باید متناسب با ظرفیت خویش در ارتباطات اجتماعی مدارا کند. تمجید پیامبر در اینجا باعث قوت قلب اوست. درواقع خداوند نخست برای پیامبر (ص) و با اسلوب تأکید، وی را دارای اخلاق‌های نیکو می‌داند و در تقابل با شخصیت ایشان، چندین صفات رذیله را برای

کسانی ثبت می‌کند که چنین پیامبری را مجنون می‌نامند و برای رد نسبت جنون به پیامبر در آخر سوره نیز این مفهوم را تکرار کرده « وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ » (قلم: ۵۱).

جدول ۱. رمزگان نمادین در تقابل ویژگی‌های پیامبر(ص) و مخالفان وی.

تقابل معنایی و تضاد بین ویژگی‌ها	رمزگان نمادین
مَا أَنْتَ ... بِمَجْنُونٍ / لَعَلَىٰ خُلُقِي عَظِيمٍ	پیامبر اسلام(ص)
خُلَافٍ / مَهِينٍ / هَمَّازٍ / مَشَاءٍ بَنِيمٍ / مُتَّاعٍ لَلْخَيْرِ / مُعْتَدٍ / أُنِيمٍ / غُنْتَلٍ / زَنِيمٍ	مشركان مكه

از رمزگان نمادین دیگر در سوره، می‌توان همان واژه «نعمه» را در برابر برخی رنج‌ها و سختی‌ها ذکر کرد که در پایان سوره این سختی‌ها باری دیگر و به‌عنوان نعمتی از جانب خداوند از پیامبری دیگر به‌نام یونس(ع) رفع می‌شوند. داستان حضرت یونس(ع) در این سوره علاوه بر نقش تربیتی آن که به‌نوعی دعوت پیامبر(ص) به صبر و بردباری و تکرار نکردن موضع‌گیری حضرت یونس(ع) در برابر قومش ایفا می‌کند، خود به‌نوعی در بردارنده رمزگان نمادین است؛ چرا که نعمت نجات یونس از شکم ماهی، در برابر نعمت و رنجی قرار گرفته که با انداختن مذمومانه یونس(ع) در بیابان خشک پدید می‌آید. «لَوْلَا أَنْ تَدَارَكُهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَلْبَيْدَ بِالْعَرَاءِ وَ هُوَ مَذْمُومٌ» (قلم: ۴۹). چنان‌که مشاهده می‌شود در این آیه نیز نعمت در برابر برخی از رنج‌ها و سختی‌های مادی و معنوی قرار گرفته و تقابلی آشکارا میان دو مفهوم برقرار کرده است.

در بخشی دیگر از سوره قلم، گمراهی و هدایت در تقابل همدیگر قرار گرفته‌اند: «إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (قلم: ۷)؛ خداوند دانش و آگاهی نسبت به توفیق هدایت انسان‌ها و همچنین گمراهی آنان را به خودش نسبت می‌دهد و پیامبر(ص) را به مسؤولیت خویش آگاه می‌سازد؛ چراکه وی تنها باید پیام خداوند را برساند و نتیجه کار را به خداوند بسپارد. این‌گونه از رهگذر تشویق، پیامبر(ص) را به شکیبایی و بردباری فرامی‌خواند و بار

مسئولیت را از دوش پیامبر اسلام (ص) برمی‌دارد؛ چراکه مسؤولیت پیامبر صلی الله علیه و سلم تنها رساندن حق و حقیقت به طالبان راستین آن است اما گمراهی و هدایت در دستان خداست. باتوجه به این که در سوره‌های مکی از موضع‌گیری دو گروه مؤمنان و کافران در برابر دعوت پیامبران سخن به میان می‌آید و عاقبت فراخور هر دو گروه در زندگی دنیا و قیامت مشخص می‌شود، در سوره قلم نیز نتیجه دو نوع موضع‌گیری تسلیم‌مدارانه و طغیان‌گرایانه طرح می‌شود. طرح این دو موضع‌گیری در کنار همدیگر از رهگذر رمزگان نمادین و برای به‌تصویر کشیدن هر چه بهتر عاقبت دو گروه است. در واقع، طرح نتیجه و عاقبت انسان‌های با ایمان و انسان‌های کافر خود روشی تربیتی برای تشویق انسان‌ها جهت پیوستن به صف مؤمنان و تهدید آنان جهت پیوستن به صف کافران است. در واقع مقایسه بین دو گروه مثبت و منفی نوعی روش تربیتی در قرآن است. در این سوره، دو نوع موضع‌گیری در قالب سؤال مطرح می‌شود و ذهن‌ها را به کنکاش در عاقبت هر یک از این دو گروه متضاد وامی‌دارد. خداوند می‌فرماید: «كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۳۳) إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ (۳۴) أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ (قلم: ۳۳-۳۵)». در این آیات، عذاب آخرت که نتیجه اعمال کافران به آن است و پاداش پرهیزکاران در تقابل همدیگر قرار گرفته‌اند و این تقابل با پرسشی انکاری، آشکارتر بیان شده است. در این جا پرسش از وضع حقیقی خود خارج شده و به‌عنوان یک روش تربیتی سودمند جهت به‌خود آمدن انسان‌ها به کار رفته است. بیان سرگذشت و نتیجه اعمال بدکاران در برابر اعمال فرمانبردار از جنبه ترغیب و ترکیب برخوردار بوده و از این طریق انسان‌ها واداشته می‌شوند تا به پلیس درونی خود مراجعه کنند و خود به داوری بنشینند و چنین پرسشی را مطرح کنند: آیا نتیجه کسانی که درست‌کارند با عاقبت کسانی که اعمال بدی انجام می‌دهند، باید یکی باشد؟

موضوعی دیگر که در بخش رمزگان نمادین قرار گرفته و دعوت‌گر را به عاقبت آن تشویق و تهدید می‌کند، موضوع شکیبایی و ناشکیبایی در برابر هجمه‌های منحرفان است. در سوره قلم به‌شکلی ویژه درباره موضع‌گیری درست و وظیفه و مسؤولیت دعوت‌گر در برابر تکذیب مشرکان



سخن به‌میان می‌آید. پیامبران در طول مسیر دعوت با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می‌کنند؛ یکی از سخت‌ترین این مشکلات، اتهام‌های ناروای منحرفان به‌ساحت و شخصیت آنان است. از این‌روی، خداوند پیامبران علیهم‌السلام را به صبر و شکیبایی در برابر آزار و اذیت منحرفان فرا می‌خواند. در سوره قلم شکیبایی و ناشکیبایی به‌عنوان رمزگان نمادین مطرح می‌شوند و در کنار هم تقابل بین دو رویکرد و در نتیجه، عواقب هماهنگ و همسو با رویکردها را طرح می‌کند؛ در واقع، طرح صبر و شکیبایی در سوره قلم هم در آغاز سوره و هم پایان آن، به تربیت دعوتگر در رابطه با نتیجه کار دعوت می‌پردازد تا دعوتگر تقابل میان صبر و کم‌صبری را عبرتی جهت نشان دادن واکنش درست در برابر منکران نبوت و منحرفان از جاده حقیقت ببیند. تحمل و بردباری با عبارات و جمله‌های گوناگونی در سوره تکرار شده‌اند و در آخر سوره نیز به شکلی آشکار، پیامبر (ص) مأمور به صبر می‌شود.

جدول ۲. رمزگان نمادین شکیبایی و ناشکیبایی

عبارت‌های آشکار و ضمنی دعوت به صبر	توضیح
۱. وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ.	قضاوت آیندگان در رابطه با شخصیت پیامبر (ص)
۲. فَسْتَبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ.	تو ای محمد (ص) و آنان به زودی می‌بینند.
۳. وَذُوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ.	پیشنهادهایی جهت آزمایش آستانه صبر.
۴. سَسِئِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ.	صبر پیامبر (ص) و عاقبت مشرکان.
۵. وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ...	موکول کردن عذاب دردناک به قیامت.
۶. يَوْمَ يُكْتَفَىٰ عَنِ سَاقٍ...	موکول کردن عذاب دردناک به قیامت.
۷. سَتَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ.	آرام آرام به‌سمت عذاب کشاندن (صبر خداوند).
۸. وَأَمْلِي لَهُمْ...	فرصت خداوند به کافران تا زمانی مقرر.
۹. فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ...	دستور مستقیم به صبر و شکیبایی.

«فَسْتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ» (قلم: ۵)؛ معلوم نبودن تعیین زمان و تصویرسازی آن به مخاطب واگذار شده که خود بیندیشد که مجنون واقعی کیست و در منش و بینش از چه کسی باید دوری جست. «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ» (قلم: ۹)؛ استعمال واژه «دهن» به معنی روغن در اینجا به معنی سازش و انعطاف‌پذیری است و اشاره به این اصل تربیتی دارد که سازش از موضع ضعف (مداهنه) در تربیت مورد انتقاد است؛ ولی مدارا که همان کوتاه آمدن از موضع قدرت است، منعی ندارد.

«سَسِئِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ» (قلم: ۱۶)؛ اطلاق کلمه خُرطوم به جای بینی در واقع نوعی تحقیر و ملامت است. بینی نماد عزت و ذلت است؛ یعنی با نشان نهادن بر بینی اش، او را خوار و ذلیل می‌کنیم و کیفر تحقیرکننده، تحقیرشدن است.

در آیه ۴۸ که به نوعی جمع‌بندی در رابطه با موضع‌گیری درست پیامبران علیهم‌السلام در برابر انکار مشرکان و هجمه‌های منحرفان است، خداوند به شکلی صریح دستور به شکیبایی می‌دهد: «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْأُخُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ» (قلم: ۴۸). در اینجا دستور به صبر در برابر عدم شکیبایی یکی از پیامبران گذشته قرار می‌گیرد. پیامبری که با اندوه و غم حاصل از عصبانیت نسبت به موضع‌گیری قوم خود ندا سر داد و تعجیل عذاب الهی را برای قومش درخواست کرد (طبری، ۲۰۰۰: ۵۶۳/۲۳). این آیه انتقاد به عدم صبوری پیامبر در انجام رسالت خویش است (حسینی‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۸)؛ در واقع دعوت به شکیبایی نوعی واکنش مناسب در برابر تهمت مخالفان است و در نهایت قاطعیت در گفتار و تعابیری چون جدال احسن، از الگوهای درست تربیتی در تقابل با مشرک تکذیب‌کننده است.

در سوره قلم ساخت ظاهری اسم‌ها و فعل‌ها (از جهت مخاطب‌بودن یا غایب‌بودن) نیز به گونه‌ای در ساخت معنای متن و تشکیل رمزگان آن مؤثر هستند. از تقابل کاربرد ساخت‌های مخاطب و غایب، نوعی رمزگان نمادین تشکیل می‌شود که مستقیم در روش تربیتی تشویق و تهدید مخاطب تأثیر می‌گذارد. یکی از راه کارهای تربیت موفق، نوع مخاطب قرار دادن طرف مقابل است. در سوره قلم خداوند با خطاب‌های مستقیم و غیرمستقیم در پی تشویق و دل‌داری

حضرت رسول است و خداوند بارها از تکنیک مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) احساس نزدیک بودن خود را به وی انتقال می‌دهد و درصدد دلجویی از اوست. گویی سوره قلم، سخنان مستقیم خداوند با حضرت رسول(ص) است.

در این سوره پیامبر(ص) ۱۵ بار با ساخت‌های اسمی و فعلی مورد خطاب مستقیم خداوند قرار می‌گیرد تا نوعی نزدیکی و صمیمیت را برای مخاطب تداعی کند. آن حضرت(ص) شش بار با ضمیر مخاطب (ک) یکبار نیز با ضمیر منفصل (انت) مورد خطاب مستقیم قرار می‌گیرد و دوبار با فعل مضارع و صورت اخباری در تقابل با مخاطب قرار گرفتن مشترکان با ساخت اخباری غایب، دوبار نیز با افعال نهی و سه بار نیز در ساخت امر حاضر، مخاطب خداوند قرار می‌گیرد، که در همه موارد نوعی دلگرمی و تشویق و نوازش و دلجویی پیامبر(ص) مشاهده می‌شود. مخصوصاً زمانی که ساختارهای مخاطب را در تقابل با ساختارهای غایب ویژه مشترکان قرار دهیم، اهمیت این خطاب‌ها آشکارتر می‌شود. ساختار فعل نهی اشاره به این نکته تربیتی است که هیچ‌کس از تذکر بی‌نیاز نیست حتی انبیاء.

جدول ۳. خطاب‌های مستقیم و غیرمستقیم با توجه به جایگاه مخاطب

خطاب‌های پیامبر(ص)	خطاب‌های مشترکان
۱. ما أنت ۲. إنَّ لک ۳. إنک لعلی...	۱. أن کان ذال مال ۲. سنسئله علی الخرطوم
۱. سنبصر ۲. تُدهن	۱. یبصرون ۲. یدهنون
۱. لا تطع ۲. فلا تطع	همّاز مشاء و هفت ویژگی بعدی در ساخت غایب
۱. سلهم ۲. ذرنی ۳. فاصبر	۱. أیهم ۲. یدعون

نکته قابل ذکر اینکه بیشتر خطاب‌ها نسبت به پیامبر(ص) و اوصاف ایشان مستقیم و بدون وابسته هستند؛ اما خطاب خداوند به مشترکان به صورت غایب است، گویا آنان را ناچیز می‌شمرد و شایسته خطاب نمی‌داند. شاید آشکارترین نمونه برای توضیح این مسأله، آیه ۴۰ باشد: «سلهم

أَيُّهُمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ» (قلم: ۴۰). در این آیه ساخت فعل به شکل امر بوده است و مخاطب حضرت رسول (ص) هستند و ایشان دستور مستقیم می‌گیرند تا از مشرکان سؤال بپرسد و مشرکان را با ضمیر غایب می‌آورد.

### ۳. نتیجه‌گیری

مبحث نشانه‌ها در واقع همان بحث دلالت‌های الفاظ در متن است؛ چه در متون ادبی باشد و چه در متن و نص قرآن کریم. تفسیر قرآن به سبک نشانه‌شناسی، یک تفسیر علمی است که می‌کوشد تا با نظام معنایی خاص و با یک سیاق کلی، جنبه‌های مختلف اعجاز قرآن را ترسیم کند. هرچند به دلیل بی‌انتها بودن معانی قرآن کریم، فرایند نشانگی یا دستاورد نشانه‌شناسی در قرآن نامحدود است؛ اما با بررسی نشانه‌شناسی رویکرد تربیتی قرآن کریم می‌توان به تفسیری نوین از این کتاب آسمانی دست یافت.

یکی از رویکردهای مهم تربیتی قرآن، ترغیب، تشویق، ترهیب و تهدید برای جلب توجه مخاطبان است. تشویق راهکاری است برای ایجاد انگیزه در مخاطبی که خود در مسیر رسیدن به هدف و تحقق آن گام برداشته و تهدید، تنبیه و سرزنشی است برای مخاطبینی که از مسیر صحیح منحرف شده و به بی‌راهه رفته‌اند. در سوره قلم با توجه به عمل کرد مخاطبین، به منظور تقویت روحیه دعوتگر «پیامبر اکرم (ص)» برای تداوم مسیر دعوت، از راهکار تربیتی تشویق و به‌شکلی نرم و تعاملی از روش تربیتی تهدید با یادآوری زندگی پیامبران گذشته و اثرات ناشکیبایی و ناصبوری در جریان رسالت آن‌ها به منظور عبرت‌دهی مطرح شده است. از سوی دیگر از همین شیوه تهدید با رنگ و لعابی متفاوت، پیامد رفتار منحرفان و مخالفان پیامبر (ص) را با تذکر و یادآوری سرنوشت تلخ گذشتگان در قیامت بیان کرده است تا آنان را به ترک فعلشان ترغیب سازد.

در سطح رمزگان فرهنگی، نام سوره اشاره به قانون و سنت جمعی مبتنی بر نگارش رویدادها توسط قلم دارد؛ قانونی که خارج از درون متن و با ارجاع به فرهنگ‌های انسانی در به رشته

تحریر در آوردن اتفاقات زندگی کشف می‌شود. در همین سطح با شخصیت ولید بن مغیره آشنا می‌شویم که با قراین خارجی و ارجاع درون‌متنی و با مراجعه به اسباب نزول آیات سوره، معنای آیات روشن می‌شود.

ارائه الگوهای تربیتی در قالب غیرمستقیم در تربیت اثری ماندگار است. در سطح رمزگان هرمنوتیک سوره قلم سه داستان را به شکل رمزگذاری و رمزگشایی مطرح می‌کند. داستان نخست حکایت حال پیامبر (ص) است. داستان دوم حکایت گذشته کسانی است که با فزونی اموال و فرزندان آزمایش شدند و باید درسی تربیتی برای حال انسان‌ها باشد و داستان سوم که به صورت خاص در پی تربیت دعوت‌گر است به آینده پیامبر (ص) و تاب‌آوری ایشان در برابر آزار و اذیت مشرکان نظر می‌افکند.

در سطح رمزگان نمادین، اخلاق‌های نیک پیامبر اسلام در تقابل با صفات رذیله مشرکان مکه سیر خطی و منطق داستانی سوره را به پیش می‌برد؛ همچنین گمراهی و هدایت تقابلی می‌آفریند که تنها در داستان خداوند است و این‌گونه زمینه کاری پیامبر (ص) شفاف و روشن بیان می‌شود تا بار مسؤولیت را بیش از حد بر خود سنگین نکند و تشویقی باشد برای این پیامبر که در راه مسؤولیت به خودش سخت نگیرد. تقابل مجرمان با تسلیم‌شوندگان در برابر فرامین خداوند نوعی دیگر از رمزگان نمادین را تشکیل می‌دهد و در دل خود تهدید مجرمان نسبت به سرنوشت‌شان را در پی دارد و تمام این رمزگان در کنار همدیگر قرار گرفته‌اند تا پیامبر اسلام را به ثبات قدم و صبر و شکیبایی در برابر آزار مشرکان تشویق کنند؛ لذا سوره قلم در سطح رمزگان نمادین با تضاد بین شکیبایی و عدم شکیبایی به پایان می‌رسد.

#### ۴. منابع

##### قرآن کریم

۱. ابن عاشور، محمد الطاهر (۱۹۸۴). تحریر المعنی السدید و تنویر العقل الجدید من تفسیر الكتاب المجید، تونس: الدار التونسیة.

۲. احمدی، بابک (۱۳۹۳). ساختار و تأویل متن، تهران: نشر مرکز، چاپ هفدهم.
۳. ----- (۱۳۹۹). از نشانه‌های تصویری تا متن، تهران، مرکز.
۴. اصفهانی، راغب (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق-بیروت: دار القلم - الدار الشامیة.
۵. اکو، امبرتو (۱۳۹۳). نشانه‌شناسی، ترجمه پیروز ایزدی. تهران: ثالث.
۶. پاینده، حسین (۱۳۹۸). نظریه و نقد ادبی، ج ۲، تهران، انتشارات سمت. چاپ دوم.
۷. پالمر، فرانک رابرت (۱۳۸۷). معنی‌شناسی، ترجمه کورش صفوی، تهران. نشر مرکز.
۸. تشاندلر، دانیال (۲۰۰۸م). أسس السیمیائیة، ترجمة طلال وهبه، الطبعة الأولى، المنظمة بیروت: المنظمة العربیة للترجمة.
۹. حسینی‌زاده، سید علی و شهاب‌الدین مشایخی (۱۳۹۳). روش‌های تربیتی در قرآن، ج ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۱۰. دینه سن، آنهماری (۱۳۸۰ش). درآمدی بر نشانه‌شناسی، ترجمه مظفر قهرمان، چاپ اول، آبادان: پرسش.
۱۱. رازی، فخرالدین (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة.
۱۲. زمخشری، أبوالقاسم (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۳. ساغروانیان، جلال (۱۳۶۹). فرهنگ اصطلاحات زبان‌شناسی، مشهد: نشر نما.
۱۴. سجودی، فرزانه (۱۳۹۰ش). نشانه‌شناسی کاربردی، تهران: نشر قصه.
۱۵. سوسور، فردینان دو (۱۳۸۲). دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه کوروش صفوی، تهران: هرمس، چاپ دوم.
۱۶. سیبک، تامس آبرت (۱۳۹۹). درآمدی بر نشانه‌شناسی، ترجمه محسن نوبخت، تهران: ناشر علمی.

۱۷. ضمیران، محمد(۱۳۸۲). درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر، تهران. نشر قصه، چاپ اول.
۱۸. قائمی‌نیا، علیرضا(۱۳۹۳). بیولوژی نصّ نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن، ج دوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۹. قائمی مقدم، محمدرضا(۱۳۹۱). روش‌های تربیتی قرآن کریم، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
۲۰. قرشی بنابی، علی اکبر(۱۳۸۶). قاموس قرآن، ج ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ شانزدهم.
۲۱. گیرو، پی‌یر(۱۳۸۷ش). نشانه‌شناسی، ترجمه محمد نبوی، تهران: نشر آگه.
۲۲. مکاریک، ایرنا ریما(۱۳۹۸). دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: نشر آگه، چاپ ششم.
۲۳. نرسیسیانس، امیلیا(۱۳۸۷). انسان- نشانه- فرهنگ، تهران: نشر افکار، چاپ اول.
۲۴. اقبالی، عباس و سعیده حسن شاهی(۱۳۹۸). «واکاوی سبک‌شناسی سوره قلم»، مطالعات سبک‌شناسی قرآن کریم، شماره ۲، صص ۳۷-۲۳.
۲۵. ایان، ریچارد نتون(۱۳۹۲). «به سوی تفسیر مدرن سوره کهف، ساختار و نشانه‌شناسی»، ترجمه ابوالفضل حرّی، ماهنامه کتاب ماه دین، شماره ۶۷.
۲۶. برکت، بهزاد و دیگران(۱۳۸۹). «نشانه‌شناسی شعر» فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، ۱۳۰-۱۰۹.
۲۷. پیرانی شال، زریوند، نیلوفر(۱۳۹۹). «نشانه‌شناسی لایه‌ای رمزگان‌های سوره مبارکه «المسد» از نظر رولان بارت»، پژوهش‌های ادبی و قرآنی، شماره ۲، صص ۱۱۴-۹۹.
۲۸. بناورانی، خلیفه حسنونند، محمد کاظم و دیگران(۱۳۸۴). «بررسی نگاره آزمودن فریدون پسرانش را از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صص ۱۰۴-۹۷.
۲۹. خزعلی، انسیه و اکبری، میترا(۱۳۹۵). «نشانه‌شناسی واژگانی نفاق در قرآن کریم»، فصلنامه لسان مبین، شماره ۲۵، صص ۴۷-۲۵.

۳۰. خلیفه نیاورانی، بهمن (۱۳۹۱). «نشانه‌شناسی و ادبیات»، همایش ملی پژوهش‌های ادبی دانشگاه شهید بهشتی.
- دیانت، لیلا (۱۳۹۱). «تحلیل سنگ نوشته‌های شهدای شیراز در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، در رشته زبان‌شناسی همگانی.
۳۱. سلیمی، سیدفاطمه و ساداتی، سید خدیجه (۱۳۹۸). «تحلیل نشانه معنانشناسی فواصل قرآن» پژوهشنامه تأویلات قرآنی، شماره ۲. صص ۵۴-۲۸.
۳۲. سیدان، الهام (۱۳۹۴). «نشانه‌شناسی لایه‌ای رمزگان‌ها در داستان قرآنی خلقت آدم»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی، شماره ۴. صص ۱۶۹-۱۴۳.
۳۳. عباس‌زاد، فرنگیس (۱۳۹۷). «بررسی نشانه‌شناختی ارزش و روابط سلبی عناصر طبیعت بر پایه نشانه‌ای در قرآن کریم»، مجله ذهن، شماره ۷۵، صص ۲۷۰-۲۳۱.
۳۴. قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۸۶). «زبان‌شناسی شناختی و تفسیر قرآن کریم»، مجله ذهن، شماره ۳۰، صص ۲۶-۳.



# A Semiotic Study of Codes of Encouragement and Threats in Surah Al Qalam

Fariba Sarlaki<sup>1</sup>

Ali Nazari<sup>2</sup>

## Abstract

Semiotics is a science that deals with the analysis of linguistic signs and codes in literary texts in order to reach a new reading by recognizing their hidden meanings and discovering hidden layers. The Holy Qur'an, which is the most important source of Islamic education, requires the extraction of educational principles based on new educational issues, and for its specialized educational interpretation, the semantic layers of its signs must be studied. One of the significant educational approaches of the Qur'an is using persuasion, encouragement, intimidation and threats to attract the attention of the audience. The semiotics of codes of encouragement and threats, as the most used educational methods in the Holy Qur'an, are thus very important. The current research, using a descriptive-analytical method and based on library sources, has investigated the semiotics of encouragement and threats in Surah Al Qalam to explain its educational approach. In this surah, cultural, hermeneutic, and symbolic codes are used to express the reasons for the Asbab al-Nuzul (occasions or circumstances of revelation) and resilience of the Prophet against the persecution and harassment of the polytheists as well as the comparison of the virtues of the Messenger of God (PBUH) against the vices of the polytheists, in line with the education of the inviter by means of encouragement. Also, to punish the opponents, threats are used in order to calm the heart of the Holy Prophet (PBUH) and to steady his steps in the path of calling to Islam.

**Keywords:** semiotics, codes, Surah Al Qalam, encouragement, threat

---

\* \*Date Received: March 7, 2021; Date Accepted: July 12, 2022

1. PhD student of Arabic language and literature, Lorestan University; Email: sarlaki.fa@fh.lu.ac.ir

2. Corresponding author: Professor of Arabic language and literature, Lorestan University; Email: nazari.a@lu.ac.ir